

تدبر در حدیث و سیره معصومین (علیهم السلام) - استاد ضرابی

بسم الله الرحمن الرحيم وصلى الله على محمد وآله الطاهرين

سيزدهم رجب ۱۴۴۴ مطابق با ۱۵/۱۱/۱۴۰۱

خجسته ميلاد با سعادت اميرمؤمنان امام على (عليه السلام)

مبارک باد ميلاد مسعود اميرمؤمنان امام على (عليه السلام) تبریک و تهنيت بر همه ارادتمندان و موالیان و محبين اهل بيت عصمت و طهارت و بهترين بهره‌های از اين مناسبت نصيب و روزی همه شيعيان و مسلمانان و محرومين جهان باد

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَالدَّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ، الْمُضِيئَةِ الْمُثْمَرَةِ بِالنُّبُوَّةِ الْمُؤْنِقَةِ بِالْإِمَامَةِ، وَعَلَى ضَجِيعِكَ آدَمَ وَنُوحَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ وَالْحَافِّينَ بِقَبْرِكَ

تا صورت پیوند جهان بود علی بود

تا نقش زمین بود و زمان بود علی بود

آن قلعه گشایی که در قلعه خیر

برکند به یک حمله و بگشود علی بود

آن گرد سرافراز که اندر ره اسلام

تا کار نشد راست نیاسود، علی بود

حضرت امیر(صلوات الله و سلامه علیه) فرمود: أَسْعَدُ النَّاسَ مَنْ عَرَفَ فَضْلَنَا وَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِنَا وَأَخْلَصَ حُبَّنَا وَعَمِلَ بِمَا إِلَيْهِ نَدَبْنَا وَانْتَهَى عَمَّا عَنْهُ نَهَيْنَا، فِدَاكَ مِنَّا، وَهُوَ فِي دَارِ الْمَقَامَةِ مَعَنَا ؛ خوشبخت ترین مردم کسی است که برتری و فضیلت ما را بشناسد و به کمک ما به پیشگاه الهی تقرب جوید، در دوستی با ما بی ریا باشد و به آنچه او را دستور داده ایم، عمل کند و از آنچه نهی کرده ایم، دوری کند. چنین کسی از ماست و در سرای جاوید با ما خواهد بود». (غرر الحکم و درر الکلم، ۳۲۹۷)

موضوع تدبر:

برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبک زندگی امیرمؤمنان(ع) که آن حضرت را محبوب رسول الله(ص) نمود و به مقامات بندگی در نزد خدا رساند و نیز سفارش فرمود که شیعیانش در تحصیل آن بکوشند، کدام صفاتند؟

پاسخ اجمالی:

امام صادق(ع) به ابی کهمس فرمود: «عَنْ أَبِي كَهْمَسٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: [إِنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ يَقُولُ لَكَ: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ يُقَرِّوُكَ السَّلَامَ! قَالَ: عَلَيْكَ وَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا أَتَيْتَ عَبْدَ اللَّهِ فَأَقْرَأْهُ السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُ... -هر موقع پیش عبدالله بن ابی یعفور رفتی، سلام مرا به او برسان و بگو: جعفر بن محمدی گوید: ای عبدالله! دقت کن در آن چیزی که حضرت علی(ع) را پیش رسول الله(ص) سرافراز کرد و به آن مقامات عالی رساند. پس توهم آن ها را برای خودت لازم بدان و خودت را به آن صفت های زیبا بیار. بدان! مطمئنا علی(ع) در نزد پیامبر(ص) به آن درجه و عظمت نرسید، مگر با دو چیز: ۱- راستی. ۲- امانت داری. (کافی، ج ۲، ص ۸۵، ح ۵)

امام خمینی(ره) درباره این حدیث می فرماید: «هان! ای عزیز! تفکرکن در این حدیث شریف! ببین مقام صدق لهجه و رد امانت تاکجاست که علی بن ابی طالب(ع) را بدان مقام بلند رسانید. از این حدیث معلوم می شود که رسول خدا(ص) این دو صفت را از هرچیز بیشتر دوست می داشتند که در بین تمام صفات کمالیه مولا (ع) این دو او را مقرب کرده است و بدان مقام ارجمند رسانده است.

جناب صادق(ع) نیز در بین تمام افعال و اوصاف، این دو امر را که در نظر مبارکشان خیلی اهمیت داشته، به ابن ابی یعفور که مخلص و جان نثار آن بزرگوار بوده، پیغام داده و سفارش فرموده به ملازمت آنها.» (چهل حدیث، امام خمینی(ره)، ص ۴۷۷)

شاهی که ولی بود و وصی بود علی بود سلطان سخا و کرم و جود علی بود
آن شیر دلاور که برای طمع نفس بر خوان جهان پنجه نیالود، علی بود

پاسخ تفصیلی:

درباره کیستی امیرمؤمنان علی(ع) که فرمود: «أَسْعُدُ النَّاسَ مَنْ عَرَفَ فَضْلَنَا...» باید گفت: معرفت آن حضرت فقط برای خدا و رسول او امکان دارد؛ در توقیع ناحیه مقدسه اولیای امر الهی، چنین توصیف شده‌اند: أَلْمَأْمُونُونَ عَلَى سِرِّكَ... و آیاتک الّتی لاتعطیل لها فی کل مکان یعرفک بها من عرفک، لافرق بینک و بینها إلاّ انّهم عبادک و خلقک. (اقبال الاعمال، ص ۶۴۶) بار الها! آنها امانت دار اسرار تواند... نشانه های تواند که هیچ جا تعطیل نیستند. هر کسی تو را بشناسد به واسطه آنها می شناسد. میان تو و آنان فرقی نیست، مگر اینکه آنان، بندگان و آفریدگان تو هستند. امام صادق(ع) فرمود: همانا من آنچه در آسمان است و آنچه در زمین است می‌دانم؛ آنچه در بهشت است و آنچه در جهنم است می‌دانم؛ آنچه در گذشته بوده و آنچه در آینده اتفاق خواهد افتاد را می‌دانم؛ سپس مقداری مکث کرد و چون دید که این سخن برای کسانی که این سخن را شنیدند سنگین و غیر قابل هضم است؛ فرمود این موارد را از کتاب خدا می‌دانم، چرا که خداوند فرمود که بیان هرچیزی در آن هست (الکافی، ج ۱، ص ۶۱)

طبق فرمایش قرآن کریم و احادیث پیغمبر اکرم (ص)، علی بن ابی طالب(ع) به همه چیز، اعم از گذشته، حال و آینده علم دارد. قرآن کریم می فرماید: وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ. (یس/۱۲)

رسول خدا فرمود: علی (ع)، امامی است که خداوند علم همه اشیاء را در او گنجانده است.

(بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۴۲۷)

از جابر بن عبد الله انصاری نقل است که: لَمَّا قَدِمَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَفَتْحِ خَيْبَرَ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَوْ لَا أَنْ تَقُولَ فَيَكُ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي مَا قَالَتْ أَلْنَصَارَى فِي الْمَسِيحِ عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَقُلْتُ فَيَكُ قَوْلًا لَا تَمُرُّ بِمَلَأٍ إِلَّا أَخَذُوا الثَّرَابَ مِنْ تَحْتِ رِجْلَيْكَ وَ مِنْ فَاضِلِ طُهُورِكَ يَسْتَشْفُونَ بِهِ وَ لَكِنْ حَسْبُكَ أَنْ تَكُونَ مِنِّي وَ أَنَا مِنْكَ. (روضة الواعظین، ج ۱، ص ۱۱۲)

چون علی(ع) خبر فتح خیبر را برای پیامبر(ص) آورد، پیامبر به او فرمودند: اگر بیم آن نبود که گروه هایی از امت من در باره تو همان چیزی را بگویند که مسیحیان در مورد عیسی بن مریم(ع) می‌گویند، در مورد تو سخنانی می‌گفتم که بر هیچ گروهی نگذری مگر آنکه از زیر پای تو خاکی را که بر آن قدم می‌نهی بردارند و اضافه آب وضوی ترا برای طلب شفا بگیرند. و برای تو همین بس است که تو از من و من از تو هستم.

آن لحمک لحمی، بشنو تا که بدانی آن یار که او نفس نبی بود علی بود

موسی و عصا و ید بیضا و نبوت در مصر به فرعون که بنمود، علی بود

امام باقر (ع) در تفسیر آیه: عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ. عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ. (نبا/۱-۲) از چه چیزی می پرسند، از خبر عظیم؟ فرمود: نبا عظیم، امیرالمؤمنین (ع) است که خودش فرمود: برای خداوند نبا و آیه ای بزرگتر و بالاتر از من نیست. (تفسیرکبیر، ج ۴، ص ۳۱). در توقیعی که از ناحیه مقدسه ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف صادر شده آمده است: «نحن صنائع ربنا و الخلق بعد صنائعنا» (همانا ما ساخته و پرداخته پروردگار خویشیم و تمامی مخلوقات پرورده ما هستند.) (بحار، ج ۵۳، ص ۱۷۸).

که مقصود از آن، واسطه بودن امام (ع) میان خدا و خلق است. رسول خدا (ص) فرمودند: وَلَا يَأْتِي عَلَى بَنٍ أَبْطَالٍ وَلَا يَأْتِي اللَّهُ وَ حُبُّهُ عِبَادَةُ اللَّهِ وَ تَابِعُهُ فَرِيضَةُ اللَّهِ وَ أَوْلَاؤُهُ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ وَ أَعْدَاؤُهُ أَعْدَاءُ

اللَّهُ وَ حَرْبُهُ حَرْبُ اللَّهِ وَ سِلْمُهُ سِلْمُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. (جامع الأخبار ج ۱ ص ۱۲) « ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام ولایت خدا است، دوست داشتن او عبادت خداست، پیروی کردن او واجب الهی است و دوستان او دوستان خدا و دشمنان او دشمنان خداوند. جنگ با او، صلح با خدا و صلح با او، صلح با خدای متعال است». اما این که فرمود: «... وَتَقَرَّبَ إِلَى اللَّهِ بِنَا وَأَخْلَصَ حُبَّنَا وَعَمِلَ بِمَا إِلَيْهِ نَدْبْنَا وَ انْتَهَى عَمَّا عَنْهُ نَهَيْنَا...»:

برخی از مهمترین ویژگی های سبک زندگی امیرمومنان(ع) که سفارش نمود شیعیانش در تحصیل آن کوشا باشند:

حلال خواری و خشنودی خدا و پیامبر حضرت صادق(ع) فرموده: به خدا سوگند علی بن ابی طالب(ع) تا روزی که از این دنیا رفت مال حرامی نخورد و هیچگاه بر سر دو راهی - که هر دو راه مورد خشنودی خدا باشد- قرار نگرفت مگر اینکه پرزحمت ترین آنها را برگزید و هر حادثه مهمی که برای پیامبر خدا پیش می آمد - به دلیل اعتمادی که به علی داشت- از او کمک می گرفت. در میان این امت هیچ کس نتوانست همانند علی(ع) راه پیامبر را- بی کم و کاست- طی کند و با این همه تلاش و کوشش، همواره چون بیمناکان کار می کرد، چشمی به بهشت و چشم دیگر بر آتش داشت، از سویی امیدوار پاداش بهشت و از سوی دیگر هراسناک از کیفر آتش بود. (الارشاد، ص ۲۵۵)

پشتیبانی حق و سازش ناپذیری: حضرت علی(ع) می فرماید: به جان خودم سوگند، در نبرد با کسی که مخالفت حق کند و راه گمراهی پیش گیرد، نه مدافعه و سازش می کنم نه سستی. (نهج البلاغه، خطبه ۲۴) و در جایی دیگر می فرماید: در تمامی زندگی من، نقطه سیاهی نیست تا عیب جویان و اشاره کنندگان با چشم و ابرو اشاره کنند و سخنی گویند. خوارترین افراد نزد من عزیز است تا حق را را بستانم و نیرومند نزد من ناتوان است تا حق دیگران را از او بازگیرم. ما با تمام وجود به قضای الهی خشنود و در برابر فرمانش تسلیم هستیم. (نهج البلاغه، خطبه ۳۷)

رضایت خداوند اصل اساسی در سیاست علوی: امیرمومنان(ع) می فرماید: به خدا سوگند، من همواره در زمره پیشتازان این حرکت بودم تا روزی که جبهه دشمن تار و مار شد و جاهلیت از صحنه بیرون رفت، بی آنکه کمترین ضعف یا ترسی داشته باشم و امروز نیز در همان راستا قدم برمی دارم و تصمیم دارم باطل را بشکافم تا حق از پهلوی آن بیرون آید. مرا با قریش چه کار؟ که دیروز در موضع کفر بودند و با آنان جنگیدم و امروز نیز که گرفتار فتنه و انحراف شده اند به پیکارشان خواهم خاست. من همانگونه که دیروز با آنان برخورد کردم امروز نیز همانم. (نهج البلاغه، خ ۳۳) و نیز فرمود: «... و از شگفتی های زمانه این است که - شامیان- به من پیام داده اند که خود را برای مقابله با سرنیزه ها آماده کنم و برای ضربه های شمشیر شکبیا باشم، مادران گریان به سوگشان بنشینند! تاکنون کسی مرا با دعوت به جنگ تهدید نکرده است و از زخم های نیزه و شمشیر هراسی نداشته ام، چرا که بر یقین به پروردگارم تکیه دادم و دینم را زنگار شبهه نیالوده است». (نهج البلاغه، خ ۲۲)

پس از مصطفی مدح شیر خدا
به مدح علی خامه سر می کنم
بود نزد ارباب عرفان روا
زمین تا فلک پر گهر می کنم

عدالت خواهی و عدالت محوری: آنگاه که حضرت امیر به دلیل رعایت مساوات در تقسیم بیت المال مورد عتاب قرار گرفت فرمود: « آیا به من امر می کنید و اصرار می ورزید تا پیروزی را به بهای ستم بر کسانی که مسئولیت سرپرستی آنها بر دوشم نهاده شده است به دست آورم؟ به خدا سوگند که تا روزگار در گردش است و ستارگان آسمان در پی هم حرکت می کنند، چنین کار ناروایی نخواهم کرد. اگر این مال، ثروت شخصی من بود در تقسیم آن مساوات را رعایت می کردم، چه رسد به اینکه مال، مال الله است. (نهج البلاغه، خ ۱۲۴) و نیز می فرماید: به خدا سوگند اگر اقلیم های هفت گانه زمین را با هر چه در زیر آسمان آنها است به من دهند تا خدا را در حد گرفتن پوست جوی از دهان موری

نافرمانی کنم، نخواهم کرد. چرا که این دنیای شما در نزد من از برگ نیم جویده‌ای در دهان ملخی ناچیزتر است. علی را با نعمت‌های فناپذیر و لذت‌های گذرا و ناپایدار چه کار! (نهج البلاغه، خ ۲۲۲) **همدلی و همدردی با درماندگان:** پیامبر گرامی اسلام(ص) فرمود: «یا علی، خدای متعال تو را چنین قرار داده که بینوایان را دوست بداری و آنان را به عنوان پیروان خویش بپسندی و آنان هم تو را پیشوایی و امامت بپسندند.» (حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۷۱)

همدردی با مردم و یآوری محرومان: علی(ع) فرمود: هیئات که هوی و هوسم بر من چیره شود و شکم‌بارگی به گزینش طعام‌های لذیذ وادارم کند، در حالی که چه بسا در یمامه و یا حجاز کسانی باشند که امید دستیابی به قرص نانی نداشته و خاطره‌ای از سیری ندارند و هرگز مباد که من با شکم پر بخوابم در حالی که شاید پیرامون من شکم‌های به پشت چسبیده و جگرهای سوخته باشد. (نهج البلاغه، نامه: ۴۵)

ای حیدر شهسوار وقت مددست ای زبده هشت و چار وقت مددست
من عاجزم از جهان و دشمن بسیار ای صاحب ذوالفقار وقت مددست
پیش‌تاز در عمل نیک و خیر: حضرت امیرالمؤمنین(ع) درباره خود می‌فرماید: ای مردم! به خدا سوگند من هرگز شما را به هیچ طاعتی فرا نمی‌خوانم مگر آنکه خود بر شما - در عمل به آن - پیشی می‌جویم و از هیچ گناهی نهی نمی‌کنم - مگر آنکه پیش از شما، خود را از عمل به آن باز می‌دارم. (نهج البلاغه، خ ۱۷۳)

ارشاد و موعظه‌گری: زاذان می‌گوید: حضرت امیرالمؤمنین(ع) به تنهایی در بازار می‌گشت و گمشده را راهنمایی و ناتوان را کمک می‌کرد و به هنگام عبور از پیش فروشندگان و کسبه، قرآن کریم را در برابر آنها می‌گشود و این آیه را برای آنها می‌خواند «خانه آخرت - سعادت ابدی - را برای کسانی قرار دادیم که قصد سرکشی و فساد در زمین ندارند و عاقبت - نیک - تنها از آن پرهیزکاران است.» (المناقب ج ۲، ص ۱۰۴)

سفره و خوراک: راوی می‌گوید از حضرت صادق(ع) شنیدم که فرمود: حضرت امیرالمؤمنین در نوع غذا شبیه‌ترین افراد به پیامبر خدا(ص) بود. او خود نان و سرکه و روغن زیتون می‌خورد و به مردم - مهمانان خود - نان و گوشت می‌داد. (الکافی، ج ۶، ص ۳۲۸)

کار و تلاش: حضرت امام صادق(ع) درباره کار و تلاش آن حضرت(ع) فرموده است: گاهی امیرالمؤمنین به سوی صحرا می‌رفت و همراه خود باری از هسته خرما می‌برد، وقتی سوال می‌شد این چیست که به همراه داری؟ می‌فرمود: هر دانه از اینها یک نخل است ان شاء... آنگاه می‌رفت و همه آنها را می‌کاشت و دانه‌ای از آنها را نمی‌خورد. (الکافی، ج ۵، ص ۷۵) آن حضرت(ع) می‌فرمود: ای مردم کوفه اگر - مرا دیدید - با اندوخته‌ای بیشتر از وسایل شخصی زندگی و مرکب و غلام خود از نزد شما برگشتم، بدانید که خائن بوده‌ام - آن حضرت در مدت حکومت، از بیت‌المال مصرف نمی‌کرد - و هزینه زندگی او از زمین‌های کشاورزی که در ینبع داشت تامین می‌شد. (الغارات، ص ۴۴)

ساده‌زیستی: حضرت خود در این باره فرموده است: به خدا سوگند تن‌پوش خود را چندان وصله کرده‌ام که از وصله‌کننده‌اش شرم دارم. روزی گوینده‌ای به من گفت: آیا زمان دور افکندن آن فرا نرسیده است؟ و من گفتم: دور شو، که هنگام بامداد، از مردم شب‌رو سپاسگزاری می‌شود (یعنی نتیجه این رنج من در آینده مورد تمجید قرار خواهد گرفت). امیرالمؤمنین(ع) پنج سال حکومت کرد و در طول این مدت آجری بر آجر و خشتی روی خشت نهاد و زمینی را به خود اختصاص نداد و در هم سفید و دینار سرخی به ارث نگذاشت. (المناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۹۵)

عبادت و طریق بندگی: حضرت صادق(ع) فرموده است: حضرت امیرالمؤمنین به هنگام وضو گرفتن اجازه نمی‌داد کسی برایش آب بریزد و می‌فرمود: دوست ندارم در نماز به درگاه خدا کسی را

شریک قرار دهم. (علل الشرایع، ج ۱، ص ۳۲۳) در تفسیر قشیری آمده است: هرگاه وقت ادای نماز می‌رسید، رنگ چهره امیرالمؤمنین تغییر می‌یافت و بر خود می‌لرزید. وقتی به او می‌گفتند: این چه حالت است؟ می‌فرمود: هنگام ادای امانتی رسیده است که بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه شد و آنها از حمل آن سرباز زدند و انسان این بار امانت را برداشت. (المناقب، ج ۲، ص ۱۲۴؛ الاحزاب، آیه ۷۲) س

پیمان روزانه با فرشتگان: حضرت صادق(ع) فرموده است: حضرت امیر(ع) هر بامداد- خطاب به دو فرشته نویسنده اعمال می‌فرمود: مرحبا بر شما دو فرشته بزرگوار و یادداشت‌کننده اعمال- به خواست خدا امروز نیز- آنچه دوست دارید بر شما املا خواهم کرد و به دنبال این تعهد به ذکر: «سبحان الله و لا اله الا الله» مشغول می‌شد تا خورشید طلوع می‌کرد و هنگام عصر نیز تا غروب آفتاب، به همان ذکرها می‌پرداخت. (بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۲۶۷ ح ۳۸)

فرزند صالح، روشنایی چشم: حضرت علی(ع) در این باره فرموده است: «به خدا سوگند هیچ‌گاه از پروردگار خود فرزندی خوش‌سپما و نه فرزندی سرو قامت نخواستهم، بلکه فرزندی مطیع خداوند و ترسان از او خواسته‌ام تا هرگاه به فرزندم نگریستم و او را در حال اطاعت خدا دیدم، چشمانم روشن شود». (تفسیر الصافی، ج ۴، ص ۲۷)

ای پسر تو بی‌نشانی از علی
عین و یا و لام دانی از علی
تو ز عشق جان خویشی بی‌قرار
و او نشسته تا کند صد جان نثار
السلام علیکم یا اهل بیت النبوة